ژاندارمری ایران

سلطان زاده، م . ت

در صحّت نسبت این ورقه و نظایر آن برضا عبّاسی نمیتوان‏ بطور قطع اطمینان کاملی‏ داشت.

4-ساقی:این صورت‏ تصویر یک ساقی است که دو زانو نشسته و در یک دست‏ جامی و در دست دیگر که‏ بروی زانو گذاشته است‏ میوهء دارد.یک قسمت این‏ صورت با رنگ قرمز و قسمت‏ دیگر سیاه است و رقم شده‏ است«رقم کمینه رضا عبّاسی».

5-صورت پیرمردی‏ است دستار بر سر که عصای‏ بلندی در دست دارد و بر روی قبا خرقهء کوتاهی‏ پوشیده است.سر پیرمرد مخصوصا خوب کشیده شده‏ و دارای دماغی است معوجّ‏ مانند قلاّب.این تصویر نیز با قلم مو رسم شده و دارای رقم ذیل است«در روز سه‏شنبه دوازدهم شهر شوّال با اقبال سنهء 1050 بندهء درگاه آب رنگ‏ کرد».

5ژاندارمری ایران

مقالهء ذیل را جناب ماژور محمّد تقی خان از اجلّهء صاحب منصبان ژاندرمری‏ ایران که در شمارهء یازدهم«کاوه»بمناسبت دریافت کردن نشان«صلیب آهن» ذکری از ایشان شده است و این اوقات برای معالجه موقّتا در برلین تشریف دارند برای درج در«کاوه»بادارهء ما فرستاده‏اند:

پس از پنج سال و اندی خدمت و جانفشانی در اواسط سال ششم‏ خود ژاندرمری دولتی ایران در شرف وداع زندگانی بوده و جان میدهد.برای شرح خدمات این ادارهء نورس و جوان ایران کتاب‏ مفصّلی لازم و وقت کافی با جمعیّت خیال واجب است.اینک در این‏ لایحه بطور اختصار خدمات عمده را شرح داده و توجّه طبقات عالیهء وطّن‏پرستان وطن محبوب خود را بنگهداری بقیّة السّیف آن‏که در هفتم‏ جوزای همین سال بیش از هشتصد نفر نبود جلب نموده و اقدامات‏ مجدّانهء آن ذوات محترم را عاجزانه خواستگار میشوم.

ژاندارمری(امنیّهء سابق)در اواخر سنهء 1329 در تحت تعلیم‏ صاحب منصبان سوئدی تشکیل شده و بتدریج ژاندارمهای خزانه نیز که‏ مستر مرگان شوستر امریکائی در ایران مخصوص وصول مالیات تشکیل‏ داده بود جزو این اداره گردیدند.صاحب منصبان سوئدی با یک صمیمیّت‏ فوق العادهء که تا امروز در کمتر از مستخدمین و مستشاران خارجی ایران‏ دیده شده است شروع بکار کرده و در عرض مدّت قلیلی با مخدورات‏ فوق العادهء داخلی و خارجی اغلب ار طرق و شوارع مهّم ایران را که تا آنوقت از کثرت قطّاع الطّریق و اشرار مسدود شده بود و هیچ مسافر یا مال التّجارهء سلامت عبور نمیکرد و همواره اغتشاش راههای مذکور بهانهء بزرگ دول همجوار بود منظّم کرده و قراولخاتهای مرتّب در آنها بنا نهاده و از هر حیث امنیّت دادند.و در اجرای مقاصد فوق دوش بدوش‏ صاحب‏منصب و ژاندارم ایرانی در مقدّمترین صفوف جنگ برخلاف موادّ کنترات خودشان که نبایستی در جنگ شرکت نمایند فقط بامر وجئانهای‏ خود جنگیده عدّهء دیگری مجروح بوطن خود مراجعت نمودند.

فداکاری افراد ایرانی از صاحب منصب و تابین نیز تصوّر میکنم بر هریک از کودکان خردسال تا پیران سالخورد ایران پوشیده نبوده و ستونهای جراید آن ایّام بهترین شاهد و وجدانهای پاک اهالی نیکوترین‏ گواه است.قوای ژاندارمری نه فقط وظایف مرجوعهء خود بلکه همه‏ وقت تکالیف یک قوّه نظامی را انجام داده و در اغلب مواقع دستجات هفت‏ الی نه مرتبه بزرگتر از عدّهء خود را در سایهء تعلیمات نظامی مقهور و مغلوب‏ ساخته و در خلاصهء این فداکاریها توانست خدمات ذیل را انجام دهد:

دو راه عمده و بزرگ در تجارت از طهران تا بوشهر و از طهران تا کرمانشاه را که بواسطهء اشرار در نقاط مختلفه مسدود بوده و برای امنیّت‏ آن حدود حکّام والا مقام همه ساله مبالغی خطیر مخارج قشون‏کشی گرفته‏ و بجیب خود میریختند امنیّت داده و قراولخانه‏ها را در یمین و یسار جادّه‏ زنجیر مانند بهمدیگر وصل نموده و در راه دور و دراز بوشهر عدّهء قلیلی‏ ژاندارم توانست عموم مال التّجاره را سالما بمقصد رسانیده و از تعدّیات‏ عشایر بیحّد و حصر آنحدود جلوگیری نماید.

نیز در سنهء 1332 در عوض اردوهای دوازده هزار نفری و مصارف زیاد که والیهای بروجرد و لرستان یک سال قبل از حرکت مشغول‏ نوشتن بودجه و تهیّهءاردو میشدند توانست ایلات پشتکوه و پیشکوه را تقزیبا مطیع دولت نموده و صحرای لرستان را که جز لرهای وحشی کسی را قدرت تمتّع از گل و ریاحین آن نبود محلّ سیر جوانان تحصیل کردهء طهران‏ نموده و با چند برج تا تنگهء ازنا امنیّت دهد.و اگر اتّفاقات جدیده‏ رخ نداده بود این راه نیز تا شوشتر منظّم شده و قابل عبور هر قسم مال‏ التّجاره میشد.البتّه لازم بتوضیح نیست که موفقیّت در این مقاصد بدین‏ سهولت که بنده در لایحهء مختصر خود گنجانیده و با کلمات«امنیّت داده»،«منظم‏ نمود»بیان نموده و میگذرم نبوده بلکه ادارهء ژاندارمری برای وصول بهر یک از مقاصد فوق قربانیهای زیاد داده و در اغلب جاها از قبیل شیراز و کرمان و بروجرد و لرستان و کاشان و همدان و قم و غیره بقدری تلفات‏ زیاد بوده که تشکیل قبرستانهای مخصوص داده و کشته پشته ساخته‏اند.

بالأخره در این جنگ عالم‏گیر نیز با وجود سرگرمی در داخل مملکت‏ که با اشرار داخلی و یاغیان دولت داشت دفع دشمن خارجی را بر داخلی‏ ترجیح داده با فقدان اسباب و آلات لازمه و عدم مساعدت اولیای دولت‏ فرصت را از دست نداده فقط با مشت(تفنگهای کاربین با هریک صد فشنگ از مشت هم کمتراند)جلو توپهای صحرائی جدید الاختراع و سایر ادوات حربیة که اسامی آنها نیز بر افراد این اداره مجهول بود برای دفاع‏ حقوق وطن مألوف و وقایهء استقلال مملکت قدیم کیانی و حفظ قوانین‏ شریعت مطهّر نبوی در جلو سیل قوای منظّم دشمن چندین ماه بالانفراد (بهمراهی قسمتی از عشایر)و بالأخره دوش بدوش با قوای دولت علیّهء عثمانی در مقصد مشترک جنگیده و لیاقت خود را در مقابل قوای نظامی‏ چندین صد سالهء اروپائی نیز ثابت نمود.چنانکه حملات گروهانهای ژاندارم‏ با عدّهء قلیل در کنگاور و ده‏نو کنگاور کهنه و حملات متعدّد سواره نظام‏ ژاندارم در ملایر و نقاط دیگر بر عموم مبرهن و اقامهء شهود و بیّنه‏ لزومی نخواهد داشت.

برای حصول مقصد اخیر ژاندارمری انواع مختلف قربانیها داده که‏ یک قسمتش را سبب دشمن و اقسام دیگر را دوستان موجب گردیده‏اند که قلم شکسته و زبان بستهء ما را یارای تحریر و تقریر آن احوال نبوده‏ و فقط سلامی از دور باجساد جوانان شهید که در صحرای عربستان و لرستان و در میان قصر و کرمانشاهان قبرستانها تشکیل داده محزون‏ خود تا موقع مرگ بنا میداریم.

اینک وکلای ملّت یا حافظان ناموس مملکت را مخاطب قرار داده عرض‏ میکنم آقایان،آیا خدمت ژاندارمری بدین زودی از خاطر شماها محو گردید؟آیا انتقام یاور علی قلی خان،سلطان غلام رضا خان مظلوم،سلطان‏ معاضد مسموم،سلطان مسعود خان مسلول و سایر محبوسین رنجور شیراز را نمی‏خواهید بکشید؟آیا یحیی خان نایب رشید که دلاورانه حمله کرده و پس‏ از گرفتن چندین سنگر دشمن جان خود را نثار استراحت اعقاب خود کرد فراموش شد؟آیا تصوّر می‏فرمائید بدون داشتن همین قوّهء پریشان‏ مختصر اهمیّتی را که دارید محافظه‏خواهید فرمود؟آقایان محترم وقت‏ همّت و جوانمردی است اگر به توسیع اقتدار ندارید اقلا از نگهداری این‏ مختصر نمونه غفلت نفرموده و ارواح شهدا را از این موهبت مسرور فرمائید.بنده نیز با امیدواریهای زیاد لایحهء مختصر و بی‏غرضانهء خود را ختم کرده و مطمئنم که وطن‏پرستان ایران فرمان قتل ژاندارمری را امضا نخواهند فرمود.